

بررسی میزان تأثیرپذیری نظر حسابرسان از ساختار هیأت‌مدیره و مالکیت نهادی (شواهدی از

بورس اوراق بهادار تهران)

دکتر محمد حسین ستایش^۱

احمد شکرالهی^۲

علی خواجه‌امینیان^۳

چکیده

پژوهشگران مدارک زیادی در ارتباط با نقش ویژگی‌های هیأت‌مدیره بر کیفیت گزارشگری مالی ارائه نموده‌اند. در همین راستا، این پژوهش به تحلیل متفاوت از کیفیت گزارشگری مالی می‌پردازد و رابطه احتمال دریافت نظر تعدیل شده حسابرسان با ویژگی‌های هیأت‌مدیره و مالکیت نهادی را مورد بررسی قرار می‌دهد. روش پژوهش مورد استفاده، شبه تجربی با طرح پس رویدادی است که به موجب آن دو گروه تجربی و کنترل متشکل از ۷۰ شرکت بورسی، بر اساس نمونه‌گیری جفتی انتخاب شده و در بازه زمانی ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، از آزمون‌های آماری من‌ویتنی، کروسکال‌والیس و t ، جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش بیانگر تأثیر مثبت با اهمیت استقلال اعضای هیأت‌مدیره و سطح مالکیت نهادی بر نوع نظر حسابرسان است اما اثرگذاری تعداد اعضای هیأت‌مدیره و تمرکز مالکیت نهادی بر نوع نظر حسابرسان را مورد تأیید قرار نمی‌دهد. به عبارت دیگر، با استناد به نتایج مزبور می‌توان ادعا کرد که افزایش استقلال هیأت‌مدیره و افزایش سطح مالکیت نهادی احتمال صدور نظر تعدیل شده حسابرسان را کاهش می‌دهد، هرچند این گزاره در ارتباط با تعداد اعضای هیأت‌مدیره و تمرکز مالکیت نهادی صادق نیست.

واژه‌های کلیدی: ساختار هیأت‌مدیره، مالکیت نهادی، اظهار نظر حسابرسان، کیفیت گزارشگری مالی.

^۱ : دانشیار بخش حسابداری، دانشگاه شیراز

^۲ : دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شیراز

^۳ : دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شیراز

Examine the Influence of Auditor's Opinion from Institutional Ownership and Board Structure (Evidence from Tehran Stock Exchange)

Mohammad Hossein Setayesh^۱, Ahmad Shokrolahi^۲, Ali Khajeh aminian^۳

^۱- Associate Professor of Accounting, ICPA - Shiraz University, Iran

^۲- M.A Student of Accounting - Shiraz University, Iran

^۳- M.A Student of Accounting - Shiraz University, Iran

Abstract

Researchers have presented many documents in connection with the role of board characteristics on the quality of financial reporting. This study analyzes the quality of financial reporting and examines the possibility of receiving a qualified audit opinion with institutional ownership and board characteristics. The Method used in this study is quasi experimental with the post-test design in which experimental and control groups consist of ۷۰ companies in Tehran Stock Exchange. The pair matching sampling was used and the study periods are from ۲۰۰۹ and ۲۰۱۰. Also, the Mann-Whitney, Kruskal-Wallis and T-test were used to test the hypotheses of the research. The research findings show that independence of board members and level of institutional ownership have positive and significant effect on the type of the auditor's opinion, but the number of board members and concentration on the institutional ownership have not affected the auditor's opinion. In other words, according to the results researchers might be able to claim that increase in board independence and increase in the level of institutional ownership reduce the possibility of issuing a qualified auditor's opinion but this proposition is not true in relation to the number of board members and institutional ownership concentration.

Keywords: Board Structure, Institutional Ownership, the Auditor's Opinion, The Quality of Financial Reporting.

عنوان مقاله:

بررسی میزان تأثیرپذیری نظر حسابرس از ساختار هیأت‌مدیره و مالکیت نهادی (شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران)

Examine the Influence of Auditor's Opinion from Institutional Ownership and Board Structure (Evidence from Tehran Stock Exchange)

نویسندگان: authors of the paper:

۱. محمد حسین ستایش: دانشیار بخش حسابداری دانشگاه شیراز – مدیریت دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری

Mohammad Hossein Setayesh: Associate Professor of Accounting, ICPA - Shiraz University, Iran

Place of Employment: Shiraz University, Iran

محل اشتغال: دانشگاه شیراز

Phone Number: ۰۷۱۱-۶۴۶۰۶۳۳

تلفن: ۰۷۱۱-۶۴۶۰۶۳۳

Fax: ۰۷۱۱-۶۲۷۲۵۲۱

دورنگار: ۶۲۷۲۵۲۱

پست الکترونیکی: Setayesh@Shirazu.ac.ir

۲. احمد شکرالهی: دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری

Ahmad Shokrolahi: M.A Student of Accounting - Shiraz University, Iran

Place of Education: Shiraz University, Iran

محل تحصیل: دانشگاه شیراز

Phone Number: ۰۹۱۷۸۱۴۲۸۰۳

تلفن: ۰۹۱۷۸۱۴۲۸۰۳

پست الکترونیکی: ahmad1sh@yahoo.com

۳. علی خواجه‌امینیان: دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری

Ali Khajeh aminian: M.A Student of Accounting - Shiraz University, Iran

Place of Education: Shiraz University, Iran

محل تحصیل: دانشگاه شیراز

Phone Number: ۰۹۱۳۱۵۳۱۹۸۷

تلفن: ۰۹۱۳۱۵۳۱۹۸۷

پست الکترونیکی: a.kh.aminian@gmail.com

۱. مقدمه

بحران ۱۹۲۹ که به موجب آن حسابداران به دلیل ارائه نکردن استانداردهای حسابداری به خصوص در زمینه همسانی رویه، مورد انتقاد شدید قرار گرفتند، سبب شد تا ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده توسط شرکت‌های سهامی در بورس نیویورک ضرورت یابد. پس از این بحران، سازمان بورس نیویورک در سال ۱۹۳۳ برای اولین بار از کلیه شرکت‌هایی که درخواست پذیرش در بورس نیویورک را داشتند، خواست تا صورت‌های مالی حسابرسی شده ارائه کنند. حسابرسان در گزارش حسابرسی خود باید در مورد منصفانه بودن و رعایت اصل ثبات رویه، اظهارنظر می‌کردند و برای نخستین بار اعلام می‌داشتند که صورت‌های مالی طبق رویه‌های پذیرفته شده حسابداری تهیه شده است (هندریکسن^۱ و ون‌بردا^۲، ۱۹۹۲).

حسابرسی مستقل که به موجب بحران ۱۹۲۹ الزامی شد، به نظر قوش^۳ (۲۰۰۷)، اخیراً به طور شایانی به عنوان یک مکانیسم نظارت شرکتی مورد توجه قرار گرفته است. وی معتقد است، سیستم نظارت داخلی و برون سازمانی مکمل یا جانشین یکدیگرند و هر دو ارزش شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

وجود اطلاعات مالی قابل اتکا یک عامل مهم در جهت اخذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری است؛ پژوهش‌های پیشین (بیسلی^۴، ۱۹۹۶؛ کلین^۵، ۲۰۰۲؛ و ژی و همکاران^۶، ۲۰۰۳)، بیانگر این است که ویژگی‌های هیأت‌مدیره و مالکیت شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی موثر است. بر اساس استانداردهای حسابرسی شماره ۲۰۰ ایران، هدف حسابرسی صورت‌های مالی این است که حسابرس بتواند درباره این که آیا صورت‌های مالی از تمام جنبه‌های با اهمیت، طبق استانداردهای حسابداری، تهیه شده است یا خیر، اظهارنظر کند. در نتیجه، یک شاخص معتبر جهت اندازه‌گیری کیفیت در ارائه اطلاعات و تطابق گزارش‌های ارائه شده با رویه‌های پذیرفته شده حسابداری، گزارش حسابرسی است. بنابراین، می‌توان چنین بیان داشت که دریافت اظهارنظر مقبول حسابرسی، در سایه کیفیت گزارشگری مالی امکان‌پذیر است و عدم وجود کیفیت گزارشگری مالی، دریافت نظر تعدیل شده حسابرس را به دنبال دارد. این پژوهش، اثر ساختار هیأت‌مدیره^۱ و مالکیت نهادی بر کیفیت گزارشگری مالی را از بعد نوع اظهارنظر حسابرس^۲، مورد بررسی قرار می‌دهد. به بیان دیگر، پژوهش حاضر به دنبال اثبات رابطه حاکمیت شرکتی با نوع نظر حسابرس است. از این منظر که حاکمیت مناسب موجب ایجاد کیفیت گزارشگری مالی می‌شود و احتمال دریافت گزارش مقبول را افزایش می‌دهد. همچنین، حاکمیت ضعیف سبب کاهش کیفیت گزارشگری مالی شده و احتمال دریافت گزارش تعدیل شده را افزایش می‌دهد.

۲. ادبیات پژوهش

۱.۲. حاکمیت شرکتی

برای سالیان طولانی در گذشته، اقتصاددانان فرض می‌کردند که تمامی گروه‌های مربوط به یک شرکت سهامی برای یک هدف مشترک فعالیت می‌کنند؛ در سی سال گذشته، اقتصاددانان موارد بسیاری از تضاد منافع بین گروه‌ها و چگونگی مواجهه شرکت‌ها با این گونه تضادها را مطرح کرده‌اند. به طور کلی این موارد، تحت عنوان «حاکمیت» در

^۱ Hendriksen

^۲ Van Breda

^۳ Ghosh

^۴ Beasley

^۵ Klein

^۶ Xie et al.

حسابداری بیان می‌شود (نمازی و کرمانی، ۱۳۸۷). طبق تعریف حساس یگانه و باغومیان (۱۳۸۵): «حاکمیت شرکتی، قوانین و مقررات، ساختارها، فرآیندها، فرهنگ‌ها و سیستم‌هایی است که موجب دستیابی به هدف‌های پاسخ‌گویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می‌شود». در حاکمیت شرکتی، هدف، برخورداری از یک هیأت‌مدیره مؤثر و کارا است و دستیابی به این هدف، مستلزم ارزیابی ویژگی‌های هیأت‌مدیره است. بر اساس تعریف بوش^۱ (۱۹۹۸)، مالکان نهادی، سرمایه‌گذاران بزرگ مانند: بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و غیره هستند. مالکان نهادی با توجه به مالکیت بخش قابل توجهی از سهام شرکت‌ها از نفوذ قابل ملاحظه‌ای برخوردارند و می‌توانند رویه‌های مورد استفاده شرکت‌ها (شامل رویه‌های حسابداری و گزارشگری مالی) را تحت تأثیر قرار دهند.

۲.۲. استانداردها

استاندارد حسابداری شماره ۱ ایران با موضوع «هدف صورت‌های مالی» بیان می‌دارد: هدف صورت‌های مالی، ارائه اطلاعاتی تلخیص و طبقه‌بندی شده درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری است که برای طیفی گسترده از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی مفید واقع شود. صورت‌های مالی همچنین، نتایج ایفای وظیفه مباشرت مدیریت یا حسابداری آن‌ها را در قبال منابعی که در اختیارشان قرار گرفته است را نشان می‌دهد (کمیته فنی سازمان حسابرسی، ۱۳۸۹: ۱، بند ۶). در بخش ۲۰۰ استانداردهای حسابرسی ایران، با موضوع «هدف حسابرسی صورت‌های مالی» آمده است که: هدف حسابرسی صورت‌های مالی این است که حسابرسان بتوانند درباره این که آیا صورت‌های مالی از تمام جنبه‌های با اهمیت، طبق استانداردهای حسابداری، تهیه شده است یا خیر، اظهار نظر کنند.

حسابرسی صورت‌های مالی یکی از انواع خدمات اطمینان بخشی است. خدمت اطمینان بخش خدمتی است که طی آن حسابرسان نظر خود را درباره حاصل ارزیابی یا اندازه‌گیری یک موضوع بر اساس معیارهای از پیش تعیین شده، برای افزایش اطمینان استفاده‌کنندگان مورد نظر، اظهار می‌کند (کمیته فنی سازمان حسابرسی، ۱۳۸۹: ۲۰۰، بند ۳).

بر اساس استانداردهای ذکر شده، استانداردهای حسابداری شاخصی معتبر برای کیفیت گزارشگری مالی است و گزارش حسابرسان معیاری برای انطباق گزارش‌های مالی با استانداردهای حسابداری است. بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی این است که آیا اطلاعات فراهم شده توسط حسابرسان در زمینه انطباق یا عدم انطباق جنبه‌های با اهمیت صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استانداردهای حسابداری ایران را می‌توان تحت تأثیر ساختار هیأت‌مدیره و مالکیت نهادی دانست.

۳.۲. اظهار نظر حسابرسان

گزارش حسابرسان وسیله‌ای است که از طریق آن حسابرسان، نظر خود را در باب قابلیت اعتماد صورت‌های مالی به استفاده‌کنندگان از آن گزارش منتقل می‌کند (التونیب و همکاران^۲، ۲۰۰۸).

گزارش و اظهار نظر حسابرسان را می‌توان به صورت زیر تبیین کرد:

محصول نهایی حسابرسان یک واحد تجاری، گزارشی است که در آن، حسابرسان نسبت به صورت‌های مالی صاحبکار اظهار نظر می‌کنند. شهادت‌دهی حسابرسان در قالب اظهار نظر حرفه‌ای آن‌ها بیان می‌شود. شهادت بیانگر اظهار نظر و

^۱ Bushee

^۲ Al-Thuneibat et al.

عقیده حسابرس در رابطه با میزان انطباق اطلاعات گزارش شده با معیارهای از قبل تعیین شده است. شهادت‌دهی عبارت از گزارش قضاوتی، بر مبنای شواهد متقاعدکننده، توسط فردی مستقل، ذیصلاح و مطلع، در خصوص درجه انطباق تمامی جوانب با اهمیت اطلاعات حسابداری گزارش شده توسط یک بنگاه با معیارهای از قبل تعیین شده است (نیکخواه آزاد، ۱۳۷۹).

شرایط ارائه اظهارنظرهای متفاوت حسابرسی بر اساس استانداردهای حسابرسی ایران به شرح زیر است:

نظر مقبول: باید در مواردی اظهار شود که حسابرس به این نتیجه برسد که صورت‌های مالی، از تمام جنبه‌های با اهمیت، طبق استانداردهای حسابداری به نحو مطلوب ارائه شده است. نظر مقبول همچنین، به طور ضمنی بیانگر آن است که هر گونه تغییر در اصول و رویه‌های مبتنی بر استانداردهای حسابداری و آثار آن‌ها، به نحوی مناسب تعیین و در صورت‌های مالی درج و یا افشا شده است (کمیته فنی سازمان حسابرسی، ۱۳۸۹: ۱، بند ۲۲).

نظر مشروط: باید هنگامی اظهار شود که حسابرس نتیجه‌گیری می‌کند نظر مقبول نمی‌تواند اظهار شود اما اثر هر گونه عدم توافق با مدیریت یا محدودیت در دامنه رسیدگی چنان با اهمیت و فراگیر (اساسی) نیست که مستلزم اظهار نظر مردود یا عدم اظهار نظر شود. نظر مشروط باید با عبارت «به استثنای» آثار موضوع مورد شرط، اظهار شود (کمیته فنی سازمان حسابرسی، ۱۳۸۹: ۱، بند ۳۲).

عدم اظهار نظر: باید هنگامی ارائه شود که اثر احتمالی محدودیت در دامنه رسیدگی یا ابهام چنان با اهمیت و فراگیر (اساسی) باشد که حسابرس نتواند نسبت به صورت‌های مالی اظهار نظر کند (کمیته فنی سازمان حسابرسی، ۱۳۸۹: ۱، بند ۳۳).

نظر مردود: باید هنگامی ارائه شود که اثر عدم توافق بر صورت‌های مالی چنان با اهمیت و فراگیر (اساسی) است که حسابرس به این نتیجه برسد که گزارش مشروط برای افشای ماهیت گمراه‌کننده یا ناقص صورت‌های مالی، کافی نیست (کمیته فنی سازمان حسابرسی، ۱۳۸۹: ۷۰۰، بند ۳۴).

۴.۲. پیشینه پژوهش

نوروش و ابراهیمی کردلر (۱۳۸۴) رابطه بین ترکیب سهامداران با تقارن اطلاعات و سودمندی معیارهای حسابداری عملکرد را بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها بیانگر این بود که در شرکت‌هایی با مالکیت نهادی بیشتر، در مقایسه با شرکت‌هایی که مالکیت نهادی کمتری دارند، اطلاعات بیشتری در رابطه با سودهای آتی گزارش می‌کنند.

مشایخ و اسماعیلی (۱۳۸۵) به بررسی رابطه بین کیفیت سود و برخی از جنبه‌های اصول راهبری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نمونه مورد بررسی شامل ۱۳۵ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۱-۱۳۸۳ بود. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش آنان نشان داد که تعداد مدیران غیرموظف و درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره که از سازوکارهای اصول راهبری شرکت محسوب می‌شوند، در ارتقای کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش با اهمیتی ندارند.

کرمی (۱۳۸۷) با استفاده از نمونه‌ای شامل ۶۱ شرکت در بازه زمانی ۱۳۷۷ - ۱۳۸۳ به بررسی رابطه بین مالکیت نهادی و محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج پژوهش وی حاکی این بود که تعداد مالکیت نهادی سبب ارتقای محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها نمی‌شود و ممکن است آن را تنزل بخشد، حال آن که سطح مالکیت نهادی محتوای اطلاعاتی سود را کاهش نمی‌دهد، بلکه امکان دارد سبب افزایش آن نیز شود.

مهدوی و ابراهیمی (۱۳۸۹) با بررسی و تجزیه و تحلیل نظرات پژوهشگران مختلف، به بررسی دلایل تغییر حسابرس توسط مدیریت شرکت‌ها پرداخته و این‌گونه نتیجه‌گیری کردند که علی‌رغم تصور کلی موجود مبنی بر

این که شرکت‌ها لزوماً با هدف دریافت یک اظهارنظر مطلوب، مدیریت سود، جلوگیری از افشای تقلب، اقدامات غیرقانونی و ضعف عملکرد مدیریت، اقدام به تغییر حسابرس می‌کنند، گاهی اوقات شرکت‌ها برای بهبود عملکرد خود، حسابرسان را تغییر می‌دهند. آنان همچنین معتقدند که مؤسسه‌های حسابرسی جانشین، به صاحبکارانی که با هدف تحکیم جایگاه مدیریت، حسابرسان خود را تغییر داده‌اند، اجازه دستکاری سود را نمی‌دهند و افزون بر این، الزاماً اظهارنظر مقبولی را در مورد آن‌ها صادر نمی‌کنند.

بنی‌مهد (۱۳۹۰) عوامل تأثیرگذار بر صدور گزارش مقبول حسابرسی طی بازه زمانی ۱۳۸۶-۱۳۸۰ را در ۵۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مورد بررسی قرار داد. یافته‌های پژوهش وی دلالت بر این موضوع داشت که صدور گزارش حسابرسی مقبول بیشتر تحت تأثیر عواملی چون عملکرد مدیر، تغییر مالکیت، خصوصی بودن حسابرسی، گزینش اظهارنظر، تغییر حسابرس از یک مؤسسه حسابرسی خصوصی به مؤسسه حسابرسی خصوصی دیگر و اندازه شرکت مورد رسیدگی حسابرس، رابطه مستقیم با احتمال صدور گزارش حسابرسی مقبول داشت. همچنین، نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که هرچه رقابت و خصوصی‌سازی در بازار حسابرسی افزایش می‌یابد، صدور گزارش حسابرسی مقبول نیز افزایش می‌یابد.

سامر و همکاران^۱ (۲۰۰۰) به بررسی رابطه بین احتمال وجود سوءجریان در صورت‌های مالی و کیفیت حاکمیت شرکتی پرداختند. نتایج پژوهش آنان حاکی از این بود که در شرکت‌هایی با درصد پایینی از مدیران مستقل در ساختار هیأت‌مدیره، تقلب بیشتری روی داده است.

ایرلند^۲ (۲۰۰۳) با استفاده از مدل لجستیک رابطه بین گزارش حسابرسی منتشر شده و ویژگی‌های شرکت‌ها در انگلیس را مورد بررسی قرار داد. نتایج پژوهش وی حاکی از وجود روابط معنادار بین ویژگی‌های شرکت و گزارش حسابرسی منتشر شده، بود.

یوزان و همکاران^۳ (۲۰۰۴) به بررسی رابطه بین ترکیب هیأت‌مدیره و وقوع تحریف پرداختند. نتایج پژوهش آنان بیانگر این بود که هر چه درصد مدیران غیرمؤظف هیأت‌مدیره و کمیته حسابرسی پایین‌تر باشد، احتمال وقوع تحریف در گزارش‌های تهیه شده توسط شرکت و به تبع آن ارائه اظهارنظر تعدیل شده حسابرسی برای صورت‌های مالی منتشره، افزایش می‌یابد. سایر ویژگی‌های هیأت‌مدیره شامل اندازه، تعداد جلسات و عدم تفکیک پست‌های مدیر عامل و رئیس هیأت‌مدیره با وقوع تحریف رابطه معناداری نداشته است.

فارینها^۴ و ویانا^۵ (۲۰۰۶) رابطه بین ویژگی‌های هیأت‌مدیره و نوع گزارش حسابرسان مستقل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرتغال را با استفاده از اطلاعات ۴۶ شرکت به صورت مقایسه‌ای در بازه زمانی ۲۰۰۲-۲۰۰۴، بررسی کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که بین نسبت غیر اجرایی اعضای هیأت‌مدیره، نرخ بازده دارایی‌ها، نسبت مالکانه، لگاریتم طبیعی دارایی‌ها در پایان سال و سود عملیاتی در سال جاری با اظهارنظر مقبول حسابرس رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد.

^۱ Seamer at al.

^۲ Ireland

^۳ Uzun at al.

^۴ Farinha

^۵ Viana

چان و همکاران^۱ (۲۰۰۷)، با بررسی ۱۳۰ شرکت چینی، طی سال‌های ۱۹۹۶ الی ۲۰۰۵، رابطه بین تغییرات در نوع مالکیت شرکت‌های چینی و انتخاب حسابرسان مستقل را مورد ارزیابی قرار دادند. شواهد حاصل از این پژوهش نشان داد که کاهش مالکیت دولتی و افزایش مالکیت نهادی، منجر به افزایش تقاضای شرکت‌ها برای به‌کارگیری مؤسسات حسابرسان باکیفیت بالاتر می‌شود.

پری‌پرا^۲ (۲۰۰۹) رابطه بین حاکمیت شرکتی، کیفیت اطلاعات حسابداری و نوع اظهارنظر حسابرسان مستقل را بررسی کرد. در این پژوهش از مدل لجستیک استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش وی نشان داد که بین وجود یک هیأت‌مدیره با تخصص مالی و مالکان نهادی با ارائه اظهارنظر مقبول توسط حسابرسان مستقل یک رابطه معنادار وجود دارد.

کلای^۳ و اوامری^۴ (۲۰۱۱) به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. آنان ویژگی‌های هیأت‌مدیره و ساختار مالکیت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تونس را مورد بررسی قرار دادند و پژوهش آنان به این نتیجه رسید که بهبود سازوکارهای حاکمیت شرکتی، کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد.

۳. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های زیر به منظور بررسی میزان تأثیرپذیری نظر حسابرسان از ساختار هیأت‌مدیره و مالکیت نهادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طراحی و مورد آزمون قرار گرفته است:
فرضیه اول: بین اندازه هیأت‌مدیره و اظهارنظر حسابرسان در مورد صورت‌های مالی رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه دوم: بین استقلال اعضای هیأت‌مدیره و اظهارنظر حسابرسان در مورد صورت‌های مالی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین سطح مالکیت نهادی و اظهارنظر حسابرسان در مورد صورت‌های مالی رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیه چهارم: بین تمرکز مالکیت نهادی و اظهارنظر حسابرسان در مورد صورت‌های مالی رابطه معناداری وجود دارد.

۴. روش‌شناسی و طرح پژوهش

۱.۴. طرح پژوهش و گردآوری داده

اگر داده‌ها از محیطی که به گونه‌ای طبیعی وجود داشته فراهم شود، یا از واقعه‌ای که بدون دخالت مستقیم پژوهشگر رخ داده است به وجود آمده باشد، پژوهشگر از یک طرح پس از رخداد یا شبه تجربی استفاده می‌کند (نمازی، ۱۳۸۹: ۳۹). این پژوهش نیز به دنبال کشف و بررسی روابط بین عوامل و شرایط خاص، یا نوع رفتاری که قبلاً رخ داده، در حوزه تحقیقات اثباتی بر اساس اطلاعات تاریخی است. بنابراین، از طرح شبه تجربی استفاده می‌شود. این طرح برای انجام پژوهش‌هایی بکار می‌رود که پژوهشگر در جست و جوی علت یا علل روابط معینی است که در گذشته رخ داده و تمام شده است. بنابراین، این طرح پژوهش از روایی بیرونی بالایی برخوردار است (همان).

^۱ Chan at al.

^۲ Pereira

^۳ Klai

^۴ Omri

اطلاعات بخش نظری پژوهش از کتب و مجلات فارسی و انگلیسی تأمین شده است. همچنین، داده‌های مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل عمدتاً از بانک‌های اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار تهران و نرم‌افزارهای صحرا و تدبیر پرداز استخراج شده است.

۲.۴. جامعه آماری، نمونه و دوره پژوهش

به منظور بررسی اثر ساختار هیأت‌مدیره و مالکیت نهادی بر نوع گزارش حسابرس، دو گروه تجربی و کنترل شامل ۷۰ شرکت بورسی انتخاب شده است. جامعه مورد بررسی شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۸-۱۳۸۹ است. ابتدا از بین آن‌ها ۲۷۰ شرکت که صورت‌های مالی و گزارش هیأت‌مدیره به مجمع آن‌ها، موجود بود انتخاب شد. از بین ۲۷۰ شرکت انتخاب شده، تعداد ۵۸ شرکت گزارش مقبول و بقیه گزارش مشروط حسابرسی دریافت کرده بودند. سپس، از میان ۵۸ شرکتی که گزارش مقبول دریافت کرده بودند، تعداد ۲۳ شرکت به دلیل نداشتن برخی اطلاعات مانند: ارزش بازار، تعداد اعضای مؤلف و غیر مؤلف هیأت‌مدیره، سطح مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت نهادی، حذف شدند. بنابراین، با توجه به این که شرکت‌های دارای گزارش مقبول به ۳۵ عدد کاهش یافت، ناگزیر از میان شرکت‌های موجود در گروه شرکت‌های با گزارش مشروط، تعداد ۳۵ شرکت که از لحاظ متغیرهای مورد بررسی پژوهش جهت انجام نمونه‌گیری تطبیقی نزدیک‌ترین مقدار را با شرکت‌های گروه کنترل داشتند، به عنوان گروه تجربی انتخاب شدند. در نتیجه، نمونه مورد بررسی به ۷۰ شرکت یا ۳۵ جفت کاهش یافت.

۳.۴. متغیرهای پژوهش

۱.۳.۴. متغیرهای اصلی

۱.۱.۳.۴. اندازه هیأت‌مدیره

پژوهش‌های اخیر عوامل متعددی مانند: وضعیت رقابتی شرکت و پیچیدگی را در ارتباط با اندازه هیأت‌مدیره بررسی کرده‌اند (بون و همکاران^۱، ۲۰۰۷ و لینک و همکاران^۲، ۲۰۰۸). در رابطه با کیفیت گزارشگری مالی، بیسلی (۱۹۹۶)، رابطه مثبتی بین تعداد اعضای هیأت‌مدیره و احتمال وجود تقلب در حسابداری را نشان داده است. در حالی که پژوهش ژی و همکاران (۲۰۰۳)، حاکی از وجود رابطه منفی بین اندازه هیأت‌مدیره و مدیریت سود است. بنابراین، ادبیات نشان می‌دهد که اندازه هیأت‌مدیره می‌تواند یک تأثیر عمده بر نظر حسابرس داشته باشد. معیار اندازه هیأت‌مدیره مطابق با پژوهش‌های بون و همکاران (۲۰۰۷) و لینک و همکاران (۲۰۰۸)، تعداد اعضای هیأت‌مدیره است.

۲.۱.۳.۴. استقلال^۳

به منظور کنترل مشکلات نمایندگی، هزینه‌های نمایندگی (نظارت، انعقاد قرارداد، زبان باقی‌مانده) تحمل می‌شود تا تضاد منافع بین مالک و نماینده کاهش یابد. یکی از انواع هزینه‌های نظارت به منظور کنترل مسأله نمایندگی، به‌کارگیری اعضای غیر مؤلف (مستقل) در هیأت‌مدیره (برای نظارت بر رفتار مدیر) است. اعضای غیر مؤلف، مدیران حرفه‌ای با تخصص در کنترل تصمیم هستند. وظیفه آن‌ها انجام فعالیت‌های جهت حل مشکلات نمایندگی بین اعضای مؤلف و سهام‌داران، از قبیل وضع پاداش مدیران اجرایی و بازرسی و نظارت برای جایگزینی مدیران

^۱ Boone et al.

^۲ Linck et al.

ارشد است (ستایش و کاظم‌نژاد، ۱۳۸۹). افزون بر این، ادبیات دانشگاهی حاکی از آن است که اعضای غیر مؤلف به نحو بهتری از منافع سهام‌داران حمایت و نمایندنده بهتری برای آنان محسوب می‌شوند. بر این اساس، اعضای مستقل، مسئله نمایندگی را کنترل و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیر و سهام‌داران را با افشای بهتر و با کیفیت‌تر اطلاعات، کاهش می‌دهند (لم و همکاران^۱، ۲۰۰۷). فاما^۲ (۱۹۸۰)، نیز مدعی است که کارآمدی هیأت‌مدیره با ورود اعضای غیر مؤلف بهبود می‌یابد. یافته‌های پژوهش‌های آجین‌کیا و همکاران^۳ (۲۰۰۵) و کارامونو^۴ و وافیز^۵ (۲۰۰۵)، نیز این ادعا را تأیید می‌کند.

به لحاظ نظری به دلیل عدم وجود تضاد منافع و داشتن استقلال بیشتر، اعضای غیر مؤلف هیأت‌مدیره گرایش بیشتری برای حمایت از حسابرسان در هر مناقشه با مدیریت دارند؛ ادبیات موجود نیز از این دیدگاه حمایت می‌کند (دزورت^۶ و سالتریو^۷، ۲۰۰۱). بنابراین، این منطقی است که انتظار داشته باشیم هنگام تأیید گزارش‌های مالی توسط هیأت‌مدیره، اعضای غیر مؤلف فشار بیشتری را بر مدیران اجرایی جهت حل و فصل هرگونه اختلاف با حسابرسان در رابطه با انطباق با اصول حسابداری، افشای مناسب و موارد دیگر اعمال کنند. در نتیجه، احتمال صدور گزارش تعدیل شده حسابرسی کاهش می‌یابد. مطابق با پژوهش‌های بیسلی (۱۹۹۶)؛ کلین (۲۰۰۲)؛ ژی و همکاران، (۲۰۰۳)؛ و پیسنل و همکاران^۸ (۲۰۰۵) معیار استقلال اعضای هیأت‌مدیره، تعداد اعضای غیر مؤلف هیأت‌مدیره است.

۳.۱.۳.۴ مالکیت نهادی

با جدا شدن مالکیت و مدیریت، مدیران به عنوان نماینده‌ی مالکان (سهامداران) شرکت را اداره می‌کنند. با شکل‌گیری رابطه نمایندگی تضاد منافع بین مدیران و سهامداران ایجاد می‌شود. بدان معنا که ممکن است مدیران دست به رفتارهای فرصت‌طلبانه بزنند و تصمیم‌های بگیرند که در جهت منافع شخصی خود و عکس منافع سهامداران باشد. نیاز به حاکمیت شرکتی از تضاد منافع بالقوه بین افراد حاضر در ساختار شرکت ناشی می‌شود (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۹). برلی^۹ و مینز^{۱۰} (۱۹۳۲)، بیان می‌کنند که نبود مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی، این امکان را برای مدیران ایجاد می‌کند که به جای منافع سهامداران، در جهت منافع شخصی خودشان حرکت کنند. یکی از ساز و کارهای موثر حاکمیت شرکتی که دارای اهمیت فزاینده‌ای است، ظهور سرمایه‌گذاران نهادی به عنوان مالکان شرکت‌ها بوده است. طبق نظر گیلان و استارکس (۲۰۰۳)، مالکان نهادی در شکل‌گیری بسیاری از تغییرات در سیستم‌های حاکمیت شرکتی نقشی اساسی دارند. همچنین، بر اساس نظر ولوری^{۱۱} و جنکینز^{۱۲} (۲۰۰۶)، این امر از فعالیت‌های نظارتی سرچشمه می‌گیرد؛ فعالیت‌هایی که مالکان با توجه به تئوری نمایندگی^۴ برای نظارت بر مدیریت انجام می‌دهند.

^۱ Lim et al.

^۲ Fama

^۳ Ajinkya et al.

^۴ Karamanou

^۵ Vafeas

^۶ Dezaort

^۷ Salterio

^۸ Peasnell et al.

^۹ Berle

^{۱۰} Means

^{۱۱} Velury

^{۱۲} Jenkins

۱.۳.۱.۳.۴. سطح مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت نهادی

مطابق تعریف ارائه شده و مورد استفاده در پژوهش‌های روبین (۲۰۰۷) و کوئتو (۲۰۰۹)، برای محاسبه سطح مالکیت نهادی، مجموع سهام در اختیار بانک‌ها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های تأمین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و شرکت‌های دولتی بر کل سهام منتشره شرکت، تقسیم شده و درصد یا میزان مالکیت نهادی به دست می‌آید؛ این متغیر در پژوهش‌های کومار (۲۰۰۳)، ارن‌هارت و لیزال (۲۰۰۶) و نمازی و کرمانی (۱۳۸۷)، نیز با همین تعریف به کار رفته است. تمرکز مالکیت نهادی^۶ عبارت است از مجموع سهام در اختیار مالک نهادی‌ای که بالاترین میزان مالکیت سهام شرکت را در میان مالکان نهادی آن شرکت دارا است؛ تقسیم بر تعداد کل سهام شرکت مورد نظر. این متغیر در پژوهش‌های روبین (۲۰۰۷)، مهرانی و همکاران (۱۳۸۹) و مرادزاده و همکاران (۱۳۸۸)، نیز با همین تعریف به کار رفته است. این اعداد در محاسبات به صورت درصد سطح مالکیت نهادی و درصد تمرکز مالکیت نهادی استفاده می‌شود.

$$(۱) \quad \text{سطح مالکیت نهادی} = \frac{\text{مجموع سهام در اختیار مالکان نهادی}}{\text{کل سهام منتشره شرکت}}$$

$$(۲) \quad \text{تمرکز مالکیت نهادی} = \frac{\text{مجموع سهام در اختیار بزرگ‌ترین مالک نهادی}}{\text{کل سهام منتشره شرکت}}$$

در همین راستا، پژوهش حاضر، سطح مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت نهادی از این منظر که با توجه به تئوری نمایندگی و بحث‌های مطرح شده در رابطه با عوامل نظارتی، مالکان نهادی از نفوذ خود برای تأثیرگذاری بر کیفیت گزارشگری مالی و رویه‌های حسابداری به کار گرفته شده، استفاده می‌کنند؛ مورد بررسی قرار می‌دهد. به طور خلاصه، اگر شاخص کیفیت گزارش‌های مالی را انطباق آن با استانداردهای حسابداری قرار دهیم و گزارش حسابرس مستقل را به عنوان معیاری برای ارزیابی این شاخص در نظر بگیریم می‌توان سطح مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت نهادی را با نظر حسابرس مرتبط دانست.

۲.۳.۴. متغیرهای کنترلی

در این قسمت تعدادی از متغیرهای کنترلی که می‌تواند نوع نظر حسابرس را تحت تأثیر قرار دهد و در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است، بیان می‌شود.

۱.۲.۳.۴. سود تقسیمی و سود سال جاری

پژوهش‌ها استدلال می‌کنند که سود تقسیمی با نظر حسابرس مرتبط است. زیرا در مواقعی که سود گزارش شده توسط مدیر دارای کیفیت بالا باشد، مدیر متعهد به پرداخت سود می‌شود (اسکینر^۱، ۲۰۰۴؛ کاسکی^۲ و هانلون^۳، ۲۰۰۵). بر همین اساس، شرکت‌هایی که تقسیم سود سال جاری خود را به تعویق می‌اندازند با اتهام وجود مشکلات در ارتباط با سود حسابداری روبرو می‌شوند. این موضوع حاکی از آن است که لغو پرداخت سود سهام، ممکن است به

^۱ Skinner

^۲ Caskey

^۳ Hanlon

وجود مشکلات مربوط به نقدینگی و قرار دادهای بدهی مربوط باشد و ملاحظات حسابرِس در ارتباط با اصل تداوم فعالیت را تحت تأثیر قرار دهد.

۲.۲.۳.۴. اندازه شرکت

لگاریتم ارزش بازار شرکت و جمع کل داراییها در پایان دوره مالی معیار متغیر اندازه شرکت است. این دو متغیر نشان‌دهنده اندازه شرکت مورد بررسی حسابرِس است. نظر حسابرِس ممکن است تحت تأثیر اندازه مشتری (درخواست‌کننده حسابرِس) قرار گیرد و دلیل آن وابستگی اقتصادی حسابرِس به یک شرکت بزرگ است که امکان دارد احتمال صدور نظر تعدیل شده را کاهش دهد (نلسون و همکاران^۱، ۲۰۰۲). از طرفی دیگر، رینالدز^۲ و (۲۰۰۱)، شواهدی را ارائه کردند که نشان می‌دهد، حسابرسان در رابطه با مشتریان بزرگ با توجه به خطر دادخواهی و نگرانی حفظ شهرت، محافظه‌کاری بیشتری را اعمال می‌کنند و در این رابطه احتمال صدور گزارش تعدیل شده بیشتر است.

۳.۲.۳.۴. بازده سرمایه‌گذاری (ROI)

هر چه بازده سرمایه‌گذاری بیشتر باشد تداوم سوددهی شرکت بیشتر و ارزیابی حسابرِس از وجود خطر کم‌تر است (اسلون^۴، ۱۹۹۶). در همین ارتباط، براد شاو و همکاران (۲۰۰۱)، نیز شواهدی در ارتباط با رابطه منفی بین عملکرد و احتمال نظر تعدیل شده حسابرِس ارائه کرده‌اند.

۴.۲.۳.۴. سلامت مالی

این متغیر به معنی عدم گزارش زیان در دو سال گذشته به کار گرفته شده است. انتظار می‌رود که احتمال دریافت گزارش تعدیل شده مطابق با پژوهش فارینها^۵ و ویانا^۶ (۲۰۰۹)، در شرکت‌هایی که به صورت متوالی زیان گزارش می‌کنند زیادتر باشد و آن‌ها به سمت شیوه‌ای جهت کاهش دید منفی ایجاد شده ناشی از اعلام زیان بروند (دفوند^۷ و جیامبال وو^۸، ۱۹۹۴).

۵. آزمون‌های آماری و تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این پژوهش جهت کنترل سایر متغیرها از نمونه‌گیری جفتی استفاده شده است. برای رسیدن به این مهم داده‌های مربوط به متغیرهای موثر از جمله سود سهام، سود تقسیمی، اندازه شرکت (لگاریتم اندازه بازار)، کل دارایی‌ها، بازده سرمایه‌گذاری (ROI) و سلامت مالی جمع‌آوری شده است تا جهت تطبیق گروه تجربی با گروه کنترل پژوهش مورد استفاده قرار گیرند. بررسی این داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و رسم نمودار Q-Q، حاکی از نرمال نبودن آن‌ها بود (نگاره شماره ۱). به همین دلیل، برای آزمون معنادار بودن تفاوت معیارهای مذکور در دو گروه انتخابی و یا تأیید این که دو گروه تجربی و کنترل از نظر این متغیرها تفاوت معناداری ندارند و می‌توان آن‌ها را در رابطه با متغیرهای اصلی پژوهش با یکدیگر مقایسه کرد، از آزمون نا پارامتریک دو نمونه‌ای مستقل من‌ویتنی^۷

^۱ Nelson et al.

^۲ Reynolds

^۳ Francis

^۴ Sloan

^۵ Farinha

^۶ Viana

^۷ DeFond

^۸ Jiambalvo

استفاده شد. نتایج این آزمون بر معنادار نبودن تفاوت‌ها تأکید داشت. به عبارت دیگر، ارزش بالاتر از ۵٪ برای p-value که در نگاره شماره ۲ مشخص شده است؛ تطابق و تشابه دو گروه تجربی و کنترل را مورد تأیید قرار می‌دهد.

نگاره ۱: آزمون نرمال بودن متغیرهای کنترلی

p-value	آماره	Kolmogorov-Smirnova
۰/۰۰۰	۰/۲۲۶	سود سال جاری
۰/۰۰۰	۰/۲۶۳	سود تقسیمی
۰/۰۰۰	۰/۳۳۲	اندازه شرکت
۰/۰۰۰	۰/۴۲۳	کل دارایی‌ها
۰/۰۰۹	۰/۱۲۴	بازده سرمایه‌گذاری

نگاره ۲: نتایج آزمون من‌ویتنی

سود سال جاری	سود تقسیمی	اندازه شرکت	کل دارایی‌ها	بازده سرمایه‌گذاری	Mann-Whitney U
۵۵۵۵۰۰	۴۹۰۵۰۰	۵۳۹۰۰۰	۵۳۵۵۰۰	۵۲۲۰۰۰	
۰/۵۰۳	۰/۱۵۲	۰/۳۸۸	۰/۳۶۶	۰/۲۸۸	p-value

در مورد متغیر کنترلی سلامت مالی نیز، هر دو گروه کنترلی و تجربی از شرکت‌هایی هستند که در دو سال گذشته زیان ده نبوده‌اند.

نگاره ۳: آزمون نرمال بودن متغیرهای اصلی

p-value	آماره	Kolmogorov-Smirnova
۰/۰۰۰	۰/۵۲۷	اندازه هیأت‌مدیره
۰/۰۰۰	۰/۲۱۲	استقلال
۰/۰۳۹	۰/۱۰۹	سطح مالکیت نهادی
۰/۲۰۰	۰/۰۶۶	تمرکز مالکیت نهادی

با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف^۸ مشخص شد که توزیع مربوط به متغیرهای اصلی پژوهش شامل: اندازه هیأت‌مدیره، تعداد اعضای غیر مؤلف و سطح مالکیت نهادی، نرمال نیست (نگاره شماره ۳). بنابراین، جهت آزمون مقایسه میانگین این متغیرها در دو گروه تجربی و کنترل که مبنای نتیجه‌گیری این پژوهش است از آزمون ناپارامتریک کروسکال والیس^۹ استفاده شده است. اما در ارتباط با متغیر اصلی تمرکز مالکیت نهادی، نتایج این آزمون، نرمال بودن این متغیر را تأیید کرد (نگاره شماره ۳)، لذا جهت آزمون مقایسه میانگین این متغیر از آزمون t^{۱۰} استفاده شده است.

نگاره ۴: آماره‌های توصیفی مربوط به دو گروه تجربی و کنترل

تفاوت میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد نمونه	گروه
۰/۰۸۵۷۱	۰/۵۱۳۶۸	۵/۱۷۱۴	۳۵	مقبول
۰/۰۸۵۷۱	۰/۳۷۳۴۹	۵/۰۸۷۵	۳۵	مشروط
۰/۶۲۸۵۷	۰/۸۸۱۱۸	۳/۶۰۰	۳۵	مقبول

مشروط	۳۵	۲/۹۷۱۴	۱/۰۹۷۷۴	۰/۶۲۸۵۷
سطح مالکیت نهادی	مقبول	۳۵	۷۶/۴۵۸۴	۹/۵۲۲۸۵
مشروط	۳۵	۸۲/۶۴۴۶	۱۱/۵۲۸۸۷	۳/۸۱۲۸۶
تمرکز مالکیت نهادی	مقبول	۳۵	۴۸/۲۲۸۸	۲۰/۵۰۰۲۷
مشروط	۳۵	۵۰/۶۳۸۶	۲۳/۸۷۷۸۷	۲/۴۰۶۸۶

نگاره شماره ۴، آماره‌های توصیفی مربوط به دو گروه تجربی و کنترل در ارتباط با کلیه متغیرهای مورد بررسی را نشان می‌دهد که در ادامه معناداری تفاوت این میانگین‌ها جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش، آزمون می‌شود. نتایج آزمون کروسکال والیس و آزمون t مربوط به فرضیه‌های پژوهش در نگاره شماره ۵ و نگاره شماره ۶، آمده است.

نگاره ۵: نتایج آزمون کروسکال والیس

سطح مالکیت نهادی	استقلال	اندازه هیأت‌مدیره	
۱/۹۵۴	۵/۶۴۸	۰/۷۱۷	Chi-square
۰/۰۴۴	۰/۰۱۷	۰/۳۹۷	p-value

نگاره ۶: نتایج آزمون t

تفاوت میانگین	p-value	
-۲/۴۰۶۸۶	۰/۶۵۲	تمرکز مالکیت نهادی

در مورد آزمون فرضیه اول مبنی بر وجود رابطه بین اندازه هیأت‌مدیره و نوع نظر حسابرس، نتایج مندرج در نگاره شماره ۵، نشان می‌دهد که رابطه بین آن‌ها در سطح ۵٪ معنادار نیست ($p\text{-value} > /0.05$). بنابراین، شواهد فرضیه اول را رد می‌کند.

فرضیه دوم بیان می‌دارد که بین تعداد اعضای غیر مؤلف و نظر حسابرس رابطه‌ای معنادار وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون این فرض وجود چنین رابطه‌ای را مورد تأیید قرار می‌دهد ($p\text{-value} < /0.05$). بنابراین، شواهد این گزاره که افزایش استقلال هیأت‌مدیره بر نوع نظر حسابرس موثر است را مورد تأیید قرار می‌دهد (نگاره شماره ۵). به بیان دیگر، بر اساس نتایج حاصل از آزمون این فرضیه می‌توان چنین ادعا کرد که با افزایش تعداد اعضای غیر مؤلف کارآمدی هیأت‌مدیره افزایش می‌یابد. همچنین، اعضای مستقل، مسئله نمایندگی را کنترل و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیر و سهام‌داران را با ارائه اطلاعات با کیفیت‌تر، کاهش می‌دهند. بنابراین، احتمال دریافت نظر مقبول در شرکت‌های دارای تعداد بالاتر اعضای غیر مؤلف هیأت‌مدیره بیشتر است.

در مورد آزمون فرضیه سوم مبنی بر وجود رابطه بین سطح مالکیت نهادی و نوع نظر حسابرس نیز نتایج آزمون این فرضیه ($p\text{-value} < /0.05$) وجود چنین رابطه‌ای را مورد تأیید قرار می‌دهد (نگاره شماره ۵). به بیان دیگر، نتایج حاکی از آن است که افزایش سطح مالکیت نهادی، اعمال قدرت سرمایه‌گذاران بر هیأت‌مدیره را افزایش می‌دهد و از حرکت مدیران به سمت منافع شخصی، جلوگیری می‌کند. در نتیجه، می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی^{۱۱} اثر گذار باشد و احتمال صدور گزارش مقبول توسط حسابرس را افزایش دهد.

نتایج آزمون ($p\text{-value} > /0.5$)، جهت بررسی وجود رابطه بین تمرکز مالکیت نهادی و نوع نظر حسابرس نشان دهنده وجود رابطه معنادار بین این دو متغیر نیست. بنابراین، شواهد بدست آمده فرضیه چهارم را رد می‌کند (نگاره شماره ۶).

۶. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

گزارش حسابرسی تنها وسیله ارتباط بین حسابرس و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی است که حسابرس نتایج فرآیند حسابرسی را از طریق آن منعکس می‌کند. هدف این پژوهش بررسی روابط بین ساختار هیأت‌مدیره و مالکیت نهادی با احتمال دریافت نظر حسابرسی تعدیل شده است. در حقیقت، پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین ساختار هیأت‌مدیره و مالکیت نهادی با کیفیت گزارشگری مالی می‌پردازد و نظر حسابرس را معیاری جهت اندازه‌گیری کیفیت گزارش مالی قرار داده است. شواهد حاصل از این پژوهش وجود رابطه معنادار بین اندازه هیأت‌مدیره و نظر حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد تأیید قرار نداد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش، بیانگر وجود رابطه‌ای معنادار بین تعداد اعضای غیر مؤلف و نوع نظر حسابرس است. وجود چنین رابطه‌ای حاکی از آن است که با افزایش تعداد اعضای غیر مؤلف، که استقلال بیشتر اعضای هیأت‌مدیره را به دنبال دارد؛ کیفیت گزارشگری مالی بیشتر شده و احتمال صدور نظر تعدیل شده حسابرسی را کاهش می‌دهد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم پژوهش از وجود رابطه بین سطح مالکیت نهادی و نوع نظر حسابرس حکایت می‌کند و چنین بیان می‌دارد که افزایش مالکیت نهادی موجب افزایش قدرت مالکان بر مدیریت و کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌شود، این عامل ارائه اطلاعات توسط مدیریت را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ در نتیجه، موجب افزایش کیفیت گزارشگری مالی شده و احتمال صدور گزارش تعدیل شده توسط حسابرس را کاهش می‌دهد. نتایج پژوهش وجود رابطه بین تمرکز نهادی و نظر حسابرس را مورد تأیید قرار نداده است. نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش‌های کرمی (۱۳۸۷)، بنی‌مهد (۱۳۹۰)، سامر و همکاران (۲۰۰۰)، ژنوزیک و همکاران (۲۰۰۴)، فارینها و ویانا (۲۰۰۶)، پری‌پرا (۲۰۰۹) و کلای و اوامری (۲۰۱۱)، همسو و با نتایج پژوهش مشایخ و اسماعیلی (۱۳۸۵)، مغایرت دارد. به دلیل این که گزارش حسابرسی یک منبع اطلاعاتی ارزشمند است و توسط فردی مستقل از شرکت ارائه می‌شود. همچنین، از آنجا که نوع نظر حسابرس برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی دارای اهمیت است؛ با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر به شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران توصیه می‌شود که جهت دستیابی به کیفیت گزارشگری مالی و به دنبال آن دریافت نظر مقبول حسابرسی در مورد صورت‌های مالی، به سمت برخورداری از حاکمیت شرکتی مناسب حرکت کنند. با توجه به اهمیت گزارش حسابرسی به منظور بررسی بیشتر آن به پژوهشگران پیشنهادها زیر ارائه می‌شود:

۱. بررسی میزان تأثیرپذیری نظر حسابرس از تحصیلات و تجربه اعضای هیأت‌مدیره.
۲. بررسی میزان تأثیرپذیری نظر حسابرس از ویژگی‌های مؤسسه حسابرسی.
۳. بررسی رابطه بین نوع اظهارنظر حسابرس و ورشکستگی شرکت.
۴. بررسی رابطه بین نوع اظهارنظر حسابرس و اندازه شرکت.
۵. بررسی میزان توجه سرمایه‌گذاران به گزارش حسابرسی.
۶. مقایسه اثر گزارش مردود و عدم اظهارنظر بر دیدگاه استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی.

محدودیت‌هایی پژوهش شامل موارد زیر است:

۱. وجود نداشتن اطلاعات مورد نیاز و قابل اتکا در ارتباط با متغیرهای مورد بررسی برای برخی از شرکت‌ها، موجب کاهش تعداد نمونه شده است.

۲. در پژوهش حاضر تنها گزارش مشروط و مقبول حسابرسی مورد بررسی قرار گرفته است.
۳. سایر ویژگی‌های هیأت‌مدیره و مالکان نهادی مانند: تحصیلات، سن، تجربه، شهرت، میزان فعالیت و غیره ممکن است بر رابطه مورد بررسی اثرگذار باشد.

۷. پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - Board
- ۲ - Auditor's opinion
- ۳ - Independence
- ۴ - Agency theory
- ۵ - Level of institutional ownership
- ۶ - Concentration on the institutional ownership
- ۷ - Mann-Whitney
- ۸ - Kolmogorov-Smirnova
- ۹ - Kruskal-wallis
- ۱۰ - T student
- ۱۱ - Quality of financial reporting

۸. منابع و مآخذ

- بنی‌مهد، بهمن (۱۳۹۰). "بررسی عوامل تأثیرگذار بر اظهارنظر مقبول حسابرس." *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، شماره ۱۳، ص ۵۹-۸۳.
- حساس یگانه، یحیی؛ باغومیان، رافیک (۱۳۸۵). "نقش هیأت‌مدیره در حاکمیت شرکتی." *نشریه حسابداری*. شماره ۱۷۴، ص ۳۰-۳۳.
- ستایش، محمد حسین؛ کاظم‌نژاد، مصطفی (۱۳۸۹). "بررسی تأثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیأت‌مدیره بر سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران." *فصلنامه دانش حسابداری*، شماره ۱، ص ۲۹-۵۱.
- عبدالخلیق، رشاد و بیپین ب. آجین کیا (۱۳۸۹). *پژوهش‌های تجربی در حسابداری: دیدگاه روش شناختی*، (محمد نمازی، مترجم). چاپ دوم، شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز.
- کرمی، غلامرضا (۱۳۸۷). "بررسی رابطه بین مالکین نهادی و محتوای اطلاعاتی سود." *فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۵۴، ص ۸۱-۱۰۰.
- کمیته فنی سازمان حسابرسی (۱۳۸۹). *استانداردهای حسابداری*. تهران، سازمان حسابرسی، شماره ۱۶۰.
- کمیته فنی سازمان حسابرسی (۱۳۸۹). *استانداردهای حسابرسی*. تهران، سازمان حسابرسی.
- مشایخ، شهناز و اسماعیلی، مریم (۱۳۸۵). "بررسی رابطه بین کیفیت سود و برخی از جنبه‌های اصول راهبری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران." *فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۴۵، ص ۲۵-۴۴.
- مرادزاده، فرد؛ ناظمی اردکانی، مهدی؛ غلامی، رضا؛ فرزانی، حجت‌اله (۱۳۸۸). "بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران." *فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۲، ص ۸۵-۵۵.
- مهدوی، غلامحسین؛ ابراهیمی، شهلا (۱۳۸۹). "تغییر حسابرس: چراغ قرمز یا سبز." *فصلنامه حسابرس*، شماره ۴۹، ص ۱۱۵-۱۲۳.

مهرانی، ساسان؛ کرمی، غلامرضا؛ مرادی، محمد؛ اسکندر، هدی (۱۳۸۹). "بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌گذاران نهادی و کیفیت گزارشگری مالی". *مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز*، شماره ۱، ص ص ۲۲۷ - ۲۴۹.

نمازی، محمد، کرمانی، احسان (۱۳۸۷). "تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". *فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۴، ص ص ۱۰۰-۸۳.

نوروش، ایرج و ابراهیمی کردلر، علی (۱۳۸۴). "بررسی و تبیین رابطه ترکیب سهامداران با تقارن اطلاعات و سودمندی معیارهای حسابداری عملکرد". *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی دانشگاه تهران*، شماره ۴۲ ص ص ۹۷-۱۲۴.

نیکخواه آزاد، علی (۱۳۷۹). *بیانیه مفاهیم بنیادی حسابرسی*، ترجمه، تهران، کمیته تدوین رهنمودهای حسابرسی - سازمان حسابرسی، نشریه شماره ۱۲۱.

- Al-Thuneibat, A. A.; Ahmad Khamees, B.; and N. A. Al-Fayoumi (۲۰۰۸). "The Effect of Qualified Auditors' Opinions on Share Prices: Evidence From Jordan" *Managerial Auditing Journal*. Vol. ۲۳ No. ۱, pp. ۸۴-۱۰۱.
- Ajinkya, B; Bhojraj, S, and Sengupta, P,(۲۰۰۵), "The Association Between Outside Directors, Institutional Investors and the Properties of Management Earning Forecast" *Journal of Accounting Research*, Vol. ۴۳, No. ۳, pp. ۳۴۳-۳۷۶.
- Beasley, M. S.(۱۹۹۶), "An Empirical Analysis of the Relation Between the Board of Director Composition and Financial Statement Fraud", *The Accounting Review*, Vol. ۷۱, No. ۴, pp. ۴۴۳-۶۵.
- Berle, A. A. Jr. and Means, G. C.(۱۹۳۲). *The modern corporation and private property*. New York, NY: Macmillan.
- Boone, A. L.; Field, L. C.; Karpoff, J. M.; and Raheja, C. G.(۲۰۰۷), "The Determinants of Corporate Board Size and Composition: An Empirical Analysis", *Journal of Financial Economics*, Vol. ۸۵, pp. ۶۶-۱۰۱.
- Bradshaw, M. T.; Richardson, S. A. and Sloan, R. G.(۲۰۰۱), "Do Analysts and Auditors Use Information in Accruals", *Journal of Accounting Research*, Vol. ۳۹, No. ۱, pp. ۴۵-۷۴.
- Bushee, B. J.(۱۹۹۸). "The Influence of Institutional Investors on Myopic R&D Investment Behavior". *Accounting Review*, ۷۲(July): ۳۰۵-۳۳۴.
- Caskey, J. and Hanlon, M.(۲۰۰۵), "Do Dividends Indicate Honesty? The Relation Between Dividends and the Quality of earnings". *Working paper*. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=۹۰۲۰۸۰>.
- Chan, K. Hung; Kenny Z. Lin; and Fang Zhang (۲۰۰۷). "On the Association Between Changes in Corporate Ownership and Changes in Auditor Quality in a Transitional Economy". *Journal of International Accounting Research*. Vol.:, pp: ۱۹-۳۶.
- Cueto Diego C.(۲۰۰۹). *Market Liquidity and Ownership Structure with weak protection for minority shareholders: evidence from Brazil and Chile* ؛ Working paper. <http://ssrn.com/>.
- DeFond, M. L. and Jambalvo, J.(۱۹۹۴), "Debt Covenant Violation and Manipulation of Accruals", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. ۱۷, pp. ۱۴۵-۷.
- DeZoort, F. T. and Salterio, S. E.(۲۰۰۱), "The effects of corporate governance experience and financial-reporting and audit knowledge on audit committee members judgments, Auditing" *A Journal of Practice & Theory*, Vol. ۲۰, No. ۲, pp. ۳۱-۴۷.
- Earnhart, D, and Lizal, L,(۲۰۰۶), "Effects of Ownership and Financial Performance on Corporate Environmental Performance", *Journal of Comparative Economics*, Vol. ۳۴, pp. ۱۱۱-۱۲.

- Fama, E.(1980), "Agency Problems and the Theory of the Firm", *Journal of Political Economy*, Vol. 88, No. 2, pp. 288-306.
- Ghosh, S.(2007). "External Auditing, Managerial Monitoring and Firm Valuation: An Empirical Analysis for Ind", *International Journal of Auditing*. Vol. 11 No. 1, pp.1-10.
- Gillan, S.G. and Starks, L.T.(1998). "A Survey of Shareholder Activism: Motivation and Empirical Evidence". *Contemporary Finance Digest*, 10-38.
- Hendriksen, Eldon S. and Van Breda, Michael F.(1992). *Accounting Theory*. America, American Institute of Certified, Fifth Edition.
- Farinha, J.; Viana, L. F.(2009)."Board Structure and Modified Audit Opinions: Evidence from the Portuguese Stock Exchange", *International Journal of Auditing*, VOL:1090. PP: 237-208.
- Farinha, J.; Viana, L. F (2006). "Board Structure and Modified Audit Opinions". *International Journal of Auditing* 207.237.
- Karamanou, I. and Vafeas, N.(2000). "The Association Between Corporate Boards, Audit Committees, and Management Earning Forecasts: An Empirical Analysis" *Journal of Accounting Research*, Vol. 38, No. 3, pp. 453-486.
- Klai, N. and Omri, A. (2011). "Corporate Governance and Financial Reporting Quality: The Case of Tunisian Firms". *International Business Research*, Vol. 4, No. 1. pp:108-116.
- Klein, A.(2002), "Audit Committee, Board of Director Characteristics, and Earnings Management", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 33, pp. 370- 400.
- Kumar, J.(2003), *Does Ownership Structure Influence Firm value? Evidence form India*, Working paper, [Online]. www.ssrn.com.
- Ireland, J.C. (2003), "An empirical investigation of determinants of audit reports in the UK." *Journal of Business Finance & Accounting*, Vol. 30, pp. 970.
- Lim, S. Matolcsy, Z. and Chow, D.(2007), "The Association Between Board Composition and Different Types of Voluntary Disclosure", *European Accounting Review*, Vol. 16, No. 3, pp. 500-513.
- Linck, J. S.; Netter, J. M. and Yang, T.(2008), "The Determinants of Board Structure", *Journal of Financial Economics*, Vol. 87, pp. 308-328.
- Nelson, M. W.; Elliott, J. A. and Tarpley, R. L.(2002), "Evidence from Auditors About Managers and Auditors Earnings Management Decisions", *The Accounting Review*, Vol. 77, pp. 170-202.
- Peasnell, K. V.; Pope, P. F. and Young, S.(2000), "Board Monitoring and Earnings Management: Do Outside Directors Influence Abnormal Accruals" *Journal of Business Finance & Accounting*, Vol. 27, pp. 1311-46.
- Pereira, A. N. (2009). "Corporate Governance and Quality of Accounting Information: The Relation of Content and Logit Betwing Fiscal Board and Independent auditor opinion in Brazilian Companies Listed at BOVESPA". Working paper, Social Science Research Network Electronic Paper Collection.
- Reynolds, J. K. and Francis, J. R.(2001), "Does Size Matter? The Influence of Large Clients on Office-level Auditor Reporting Decisions", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 30, pp. 370-400.
- Rubin A(2007). "Ownership Level, Ownership Concentration and Liquidity". *Journal of Financial Markets* 10(3): 219-248.
- Seamer, M. and Psaros,j. (2000) "Board Composition and the Incidence of Management Perpetrated Fraud", Working paper, the university of New South Wales.
- Uzun, Hatic; Szewczyk, S. H. and Varma, R.(2004) "Board Composition and Corporate Fraud". *Financial Analysis Journal*, No.60, pp:33-43.

- Skinner, D. J.(۲۰۰۴), What do Dividends Tell us About Earnings Quality' Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=۴۸۴۰۴۲>.
- Sloan, R. G.(۱۹۹۶), "Do Stock Prices Fully Reflect Information in Accruals and Cash Flows About Future Earnings", *The Accounting Review*, Vol. ۷۱, No. ۳, pp. ۲۸۹-۳۱۰.
- Velury, U. and D. S. Jenkins(۲۰۰۶)." Institutional Ownership and the Quality of Earnings". *Journal of Business Research*, ۵۹:۱۰۴۳-۱۰۵۱.
- Xie, B.; Davidson, W. N. and Dadalt, P. J.(۲۰۰۳)."Earnings Management and Corporate Governance: the Role of the Board and the Audit Committee", *Journal of Corporate Finance*, Vol. ۹, pp. ۲۹۶-۳۱۶.



پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی